دو فصلنامهٔ علمی نقد ادب معاصر عربی
سال نهم/ هجدهم پیاپی/ ١٦ علمی (١٣٩٨)

واکاوی زندان‌سروده‌های ابراهیم مقادمه بر مبنای مؤلفه‌های سبک‌شناسی لایه‌ای

جهانگیر امیری[1]، دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه
شیوا صادقی، عضو هیأت علمی زبان و ادبیات عرب، دانشگاه پیام نور
نورالدین پروین، استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

تاریخ دریافت: ١٣٩٦/٠٨/٢٠ تاریخ پذیرش: ١٣٩٧/٠٩/٢٤

چکیده

زندان سروده، در ماهیت خویش شرح رنج و اندوه و دلتنگی‌های یک شاعر دربند است، اما این‌گونهٔ غنایی نزد ابراهیم مقادمه شاعر، مبارز و شهید فلسطینی همچون دیگر روشنفکران این دیار سوای از انعکاس رنج و اندوه، شعری انگیزاننده است که با برانگیختن شور مبارزه و مقاومت در وجود انسان مظلوم فلسطینی دریچه‌ای از امید به روی او می‌گشاید و به افق روشن آزادی و پیروزی رهنمون می‌سازد. در پژوهش حاضر برآنیم باروشی توصیفی- تحلیلی به خوانش زندان‌سروده‌های این شاعر پایداری بر اساس مؤلفه‌های سبک‌شناختی لایه‌ای بپردازیم تا به این مهم دست یابیم که ابراهیم مقادمه به‌عنوان شاعری متعهد چگونه از ماهیت و توانمندی لایه‌های زبانی در راستای القای مفهوم مبارزه‌طلبی و ایستادگی بهره برده است؟ تحلیل سبک‌شناختی اشعار ابراهیم مقادمه، بر کارآمدی مؤلفه‌های سبک‌شناختی لایه‌ای در جهت درک بهتر لایه‌های زیرین معنا در متون ادبی صحه می‌گذارد؛ بدین صورت‌که کاربرد فراوان بحر رمل نشانگر توجه شاعر به اوزان خفیف و ملایم و فراهم ساختن فضایی آرام است که آرامشی درونی را به خواننده القاء کند. در لایهٔ واژگانی تساوی واژگان حسی و انتزاعی و در لایهٔ نحوی، هم‌سویی جملات خبری و انشایی، میل به تجسم واقعیت و در عین حال القای احساسات یک مبارز را آشکار می‌سازند. در لایهٔ بلاغی تصویرپردازی‌های حسی به حسی بیش از هر ابزاری بازنمود رنج و اندوه یک اسیر فلسطینی را برعهده گرفته‌اند و در لایهٔ ایدئولوژیکی، اشعار مقادمه ایمان راسخ یک مبارز دربند، به ثمربخش بودن پایداری و پیروزی نهایی حق را به تصویر کشیده است.

کلید واژه‌ها: ادبیات عرب، شعر پایداری، سبک‌شناسی لایه‌ای، زندان‌سروده، ابراهیم مقادمه.

١- نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Email: gaamiri686@gmail.com

مقدمه

زندان‌سروده که حبسیه‌سرایی نیز نامیده می‌شود، زیرشاخهٔ ادبیات غنایی به‌شمار می‌آید. این نوع شعر شرح حال دلتنگی، رنج و اندوه و شکوهٔ شاعرانی است که بنابه دلایل مختلف سیاسی، دینی و یا اجتماعی اسارت را چشیده‌اند و به ثبت لحظه‌های دردناک خویش پرداخته‌اند (کوشکی و داراب‌پور،۱۳۹۰ش: ۷۷) اما این نوع شعر نسبت به شاعران پایداری، دغدغه و رنجی شخصی که از آن شکوه کنند و نوحه سر دهند، نیست چرا که شاعران فلسطینی زندان را نبردگاهی دیگر برای اثبات مقاومت و ظلم‌ناپذیری خویش قرار داده‌اند؛ این شاعران ضمن بیان مصیبت‌های مردمان ستمدیده سرزمینشان و ددمنشی‌ها و بیدادگری صهیونیست‌ها، ستایش آزادی و آزادگی، ستایش شهیدان راه آزادی و مبارزان و اسیران وطن، ایمان به ایثار جان و مال و قدرت مبارزات مردمی، امید به آینده‌ای روشن که با دستان کودکان سنگ محقق خواهد شد را در دل مردم زنده نگه می‌دارند و از پشت میله‌های زندان با سروده‌های خویش آنان را به مبارزه و ستیزه‌جویی فرا می‌خوانند. بنابرین باید گفت زندان‌سروده‌های شاعران مقاومت اشعاری انسان محور، آرمان‌خواه و روشن‌گرند که بن‌مایهٔ آن را ایدئولوژی و نگرش این شاعران نسبت به وطن و ایمان تشکیل می‌دهد. در این جستار به منظور درک بهتر زندان-سروده‌های سردار شهید فلسطینی ابراهیم مقادمه، از مؤلفه‌های سبک‌شناسی لایه‌ای استفاده می‌کنیم تا به این مهم دست یابیم که این شاعر مبارز حال که در بند اسارت است و توان به دست گرفتن سلاح و حضور در میدان نبرد از او سلب گشته، چگونه سلاح بیان را در راستای دفاع از انسان فلسطینی به‌کار می‌بندد و نیز می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های لایه‌های (آوایی، واژگانی و نحوی و بلاغی) در زندان‌سروده‌های ابراهیم مقادمه چیست؟

۲. ایدئولوژی مسلط بر سبک زندان‌سروده‌های ابراهیم مقادمه چیست؟

پیشینه‌ی پژوهش

نقد و بررسی زندان‌سروده یا حبسییه‌سرایی شاعرانی که تجربهٔ تلخ حضور در زنـدان را با خود داشته و در آن برهه به ثبت تجربیات خـود پرداختـه‌انـد، همـواره مـورد توجـه پژوهشگران بوده و در این زمینه آثار گرانقدری در قالب کتـاب، مقالـه و پایـان‌نامـه بـه رشته تحریر درآمده که به ذکر چند مورد از آنها بسنده می‌کنییم:

کتاب‌های السجون و اثرها فی الادب العربی تالیف واضح الصمد (۱۹۹۵م)، الاسـر و السجن فی الشعر العرب تالیف مختار البرزه، ادباء السجون از عبدالعزیز الحلفـی (د.ت)، القبض علی الجمر: تجربهٔ السجن فی الشعر المعاصر تالیف محمد حور(۲۰۰٤م) و شعر السجون فی الادب العربی الحدیث و المعاصر تـألیف سـالم المعـوش(۱٤۲٤ق) کـه بـه بررسی مهمترین مضامین شعر زندان و بیـان تجـارب شـعری شـاعران معاصـر عـرب پرداخته‌اند که طعم زندان را چشیده‌اند.

– زارع برمی (۲۰۱٤م) در رسـاله‌ای بـا عنـوان «شـعر السـجون فـی الادب العراقـی المعاصر» زندان سروده‌های حسن السـنید را تحلیـل کـرده اسـت. و امـا دربـارهٔ اشـعار ابراهیم مقادمه نیز چند پژوهش در قالب مقاله صورت گرفته که بدین شرح است:

«توظیف التراث و الشخصیات الجهادیة و الاسلامیة فی شعر ابـراهیم المقادمـة» اثـر صالح النعامی (۲۰۰۷م) ، «البطولة فی شعر ابراهیم المقادمة» اثـر محمـد مصـطفی کـلاب (۲۰۱۲م).

و «بازتاب مقاومت در شعر ابراهیم مقادمـه» اثـر علـی اصـغر روان‌شـاد و همکـاران (۱۳۹٤ش). شایان ذکر است که تفاوت اساسی مقالات فوق با مقاله–ی حاضر این است که پدیدآورندگان آن مقالات بیشتر همّت خود را صـرف شـرح و تحلیـل اشـعاری کـه شاعر در زمینه‌ی فلسطین سروده، نموده‌اند. حال آن که در این مقالـه بـیش از هـر چیـز سروده‌هایی که مقادمه در زندان به نظم کشیده مورد بحث و بررسی قرار گرفتـه اسـت، هر چند که تم و درون مایهٔ اصلی همین اشعار ارتبـاطی تنگاتنـگ بـا شـعر مقاومـت و انتفاضهٔ فلسطین دارد. با توجه به پیشینهٔ ذکر شده، نویسندگان این پژوهش برآنند تا پس

از درنگی کوتاه دربارهٔ زندگی و فعالیت‌های علمی و سیاسی ابراهیم مقادمه شاعر و سردار شهید فلسطینی به بررسی لایه‌های پنج‌گانهٔ زندان‌سروده‌های وی بپردازند.

ادبیات نظری پژوهش

دانش سبک‌شناسی

«سبک یک متن یا اثر ادبی همواره مجموعه‌ای از عناصر و شاخصه‌های سبکی است که معرف کلی متن‌اند و در پیوند مشخص و بارز یکدیگر قرار دارند. سبک رابطه‌هایی است که از نسبت‌های این اجزاء با کل سخن حاصل می‌شود» (عبادیان، ۱۳۷۲ش: ۵۸). همه یا غریب به اتفاق نظریه‌پردازان، سبک را حاصل نگرش خاص، گزینش و عدول از هنجار می‌دانند (شمیسا، ۱۳۷۵ش: ۱۷). دانش سبک‌شناختی به‌شیوهٔ آکادمیک و امروزی آن، دانشی نوظهور است. صاحب‌نظران این دانش در دهه‌های اخیر شیوه‌های بسیاری را آزموده‌اند. برخی چون سوسور سبک‌شناسی را دانشی میان زبان‌شناسی و نقد ادبی تلقی می‌کنند که در آن هم بحث‌هایی زیبایی‌شناختی و ارزش‌گذاری مطرح است و هم تکیه بر یافته‌های زبانی دارد. برخی از پیروان مکتب نقشگرا به تبعیت از هلیدی تکیه بر نقش‌های سه‌گانهٔ زبان را هدف سبک‌شناختی تعیین کردند، هرمنوتیک‌ها با اصالت بخشیدن به تلقی خواننده، نوعی سبک‌شناختی تاثری و ساختارگرایان به تاثیر از فرمالیست‌ها مفاهیم هنجارگریزی، آشنایی‌زدایی و ادبیت متن را ابداع و نوعی سبک‌شناسی ساختارگرا را بنا نهادند (حری، ۱۳۹۰ش: ۳۸). ؛ بنابرین نمی‌توان تحلیل‌های سبک‌شناسانه را به رعایت مرز و حدی معین محدود کرد زیرا هر یک از چارچوب‌های ارائه شده درزمینه سبک‌شناسی به نوعی در تحلیل متن ادبی کارآمد و مفیدند؛ سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از چندین روش عملی و کارآمدست که در سال‌های اخیر نیز بارها مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. در این پژوهش، عناصر و شاخصه‌های سبکی زندان‌سروده‌های ابراهیم مقادمه در پنج سطح آوایی، بلاغی، واژگانی، نحوی و ایدئولوژیکی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی لایه‌های سبک‌شناسی در اشعار ابراهیم مقادمه

لایه آوایی

لایهٔ آوایی، به بررسی میزان هماهنگی و ارتباط بین وزن و آهنگ حروف با مفهوم منعکس شده در کلام می‌پردازد، این لایه از زبان تا آنجا اهمیت دارد که، برخی از نظریه‌پردازان حوزهٔ شعر معتقدند «وظیفهٔ خاص شعر، به عنوان چیزی غیر از موسیقی، نه انتقال وزن و آوا که، انتقال معنی یا تجربه از طریق آواهاست» (لارنس پرین، ۱۳۷٦ش: ۹۷). بر همگان واضح و مبرهن است که صوت جلوگاه احساسات درونی است و این انفعالات طبیعتا سبب تنوع صوت و صدا می‌شود. گاهی به صورت مد است گاهی به صورت غنه و گاهی هم نرم و گاهی هم شدید (الرافعی،۱۹۹۷: ١٦٩).

ایجاد موسیقی در کلام و در عین حال ایجاد هماهنگی معنایی، از شگردهای خاصی است که می‌تواند در ارتقاء سطح کیفی یک شعر نقش مؤثری ایفا کند. از همین رو بهبود جنبه‌های موسیقیایی زبان در شعر و به خصوص در شعر معاصر می‌تواند به عنوان یکی از شاخصه‌های هنری شاعر و عنصری سبک‌ساز به شمار آید. در بررسی لایهٔ آوایی زبان شعری ابراهیم مقادمه ضمن توضیح مختصری در باب موسیقی درونی و بیرونی به واکاوی اشعار وی می‌پردازیم تا توانایی شاعر در به‌کاربستن توانمندی‌های آوا در بازنمود نگرش، عواطف، احساسات و انتقال مفهوم پایداری و مبارزه‌طلبی را به خواننده بنمایانیم.

منظور از موسیقی بیرونی، همان قافیه و وزن عروضی است و وزن عبارتست از نظم خاصی که در یک مجموعه آوایی، به لحاظ کوتاه و بلندی مصوت‌هاو یا ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها وجود دارد. اما موسیقی درونی مجموعه هماهنگی‌هایی است که از رهگذر وحدت، تشابه، یا تضاد صامت‌ها و مصوت‌ها در کلمات یک شعر پدید می‌آید (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰ش: ۳۹۲). عشری زاید معتقدند: موسیقی در شعر فقط زینتی خارجی نیست بلکه یکی از قوی‌تری ابزار الهام‌بخش است تا کلام و احساسات درونی انسان را که زبان از بیان آن عاجز است، در ضمن کلام آهنگین به مخاطب القا نماید (عشری زاید،۲۰۰۸م: ١٥٤).

زبان شاعر و گوینده خودآگاه یا ناخودآگاه، تحت تأثیر احساسات اوست و این احساسات بر انتخاب آواهای او تأثیر می‌گذارد، همچنان‌که انتخاب اوزان عروضی نیز باید متناسب و هماهنگ با مضمون و حال‌و هوای شاعر باشد. شادی، غم و اندوه، حسرت، آرامش و خشم هر یک وزن‌های متناسب خویش را می‌طلبند. واج‌ها نیز با توجه به نحوه و جایگاه تولیدشان، ویژگی و بالطبع معانی خاصی می‌یابند، برخی راحت‌تر و با فشار و استرس کمتری بیان می‌شوند، مانند حروف «س، ش، ل، ن، ج...) و معنای نرم و روانی را افاده می‌کنند و بعضی دیگر با ایجاد انقباض بیشتری در اندام گفتار تلفظ می‌شوند و معنای خشن و سخت را انتقال می‌دهند. برای مثال حروف «ب، ک، خ، ق، ج، ض، ط، ظ، ص» حروفی هستند که منسوب به معانی سخت و خشن‌اند و «اگر چنین حروفی در قصیده‌ای پر بسامد باشند طبعاً معنای موجود در آن قصاید معنایی نرم و روان نیستند» (غنیم، ۱۹۹۸م: ۲۸۳). بنابرین باید گفت که هر گوینده در حالات مختلف، به استفاده از اوزان و واج‌های مختلفی تمایل نشان دهد، «چنین الهام-پذیری نتیجهٔ پژواک دریافت ما از احساسی است که آواها در وجودمان برمی‌انگیزد» (عباس،۱۹۹۸م: ۳۸). در تمام اشعار مقادمه، موسیقی درونی هم‌سو با موسیقی بیرونی، بین وزن و محتوا هماهنگی برقرار می‌کند؛ هنگام آرامش، از وزن‌ها و واج‌های نرم و روان، بیشتر استفاده کند و هنگام غم و عصبانیت، از وزن‌های سنگین و واج‌های انقباضی.موسیقی حاصل از تکرار این واج‌ها، زمینه‌ای زیباشناسانه خلق می‌کند و در غالب موارد می‌تواند، تأثیر خاصی در خواننده ایجاد کند، چنانکه در مواردی ددمنشی دشمن را تحقیر و به سخره می‌گیرد و روحیه مبارزه‌طلبی را در جان مبارزان تقویت می‌کند:

وسدّ منافذ الأنفاس في رئتيَّ/ لن أوجل/ وهدّد كيفما تهوى/ وعذّب كيفما تهوى (المقادمة، ۲۰۰۳م: ۵) شاعر بحر هزج را که وزنی شورانگیز، پویا و پر جنبش است و جدیت وشوق تکرار را به شنونده منتقل می‌کند (قدامة بن جعفر، ۱۹۴۹م: ۲۷۹)، در تناسب با محتوای ادبیات پایداری قرار داده است. در این ابیات گزینش و تکرار واج‌های انفجاری «د»، «ق»، «ک» وزن و آهنگ، کلام را کوبنده و متناسب با محتوای ستیزه‌جویی

کرده است. شدت و تندی کلام شاعردربند فلسطینی را می‌توان از تکرار «هات» و «کیفما تهوی» حس کرد که تهدید و شکنجه‌های دشمن را تحقیر می‌کند. «بحر کامل نیز یکی از پرکاربردترین بحرهای غنایی شعر عربی است که شاعران نوگرای عرب به وفور از ایقاع و حلاوت آن برای القای تجارب شعری خویش بهره برده‌اند» (عبدالرضا، ۱۹۹۷م: ٦١). «عیاش» یکی از قصائدی است که انتخاب بحر کامل به‌خوبی ریتم جدی، کوبنده و آهنگ سرشار از خشم آنرا به گوش شنونده می‌رساند:

نَشَروا بِبَلدَتِنا الْخَرابَ فما لَهُمْ إلّا الْخَرابْ/ لَمْ يَرْحَمُوا شَيْخاً وَ لا طِفْلاً تَلَفَّحَ بِالثّيابْ/ قَدْ أَرْضَعُوهُ قَنابِلَ الْغازِ المدَمِّعِ وَالْهَبابْ

قَدْ عَلَّمُوهُ الْحِقْدَ مَعَ عِلْمِ الْقِراءةِ وَالْحِسابْ (المقادمة، ۲۰۰۳م: ۳۳)

قافیه در این قصیده به حرف باء ختم می‌شود، که حرفی انفجاری است و با احوال شاعر که ناراضی از وضع کنونی است، مطابقت دارد. سکون آن نیز، خشمی و اعتراضی همراه با اندوه و حسرتی را القا می‌کند که در پی به شهادت رسیدن مبارزان فلسطینی تمام وجود شاعر را احاطه کرده است.

استفاده از ظرفیت‌های موجود در آواها برای القای معنای مورد نظر، از ویژگی‌های شعر معاصر عربی است؛ چنان که شاعران، از این بستر استفاده‌های فراوان برده‌اند. بسیاری از منتقدان در حوزهٔ زبان عربی بر این باورند که «معنی واژه برگرفته از شکل آوایی آن است» (عباس،۱۹۹۸م: ۳۵). در اشعار مقادمه، موسیقی درونی پدید آمده از تکرار بیش از اوزان عروضی خودنمایی می‌کند و بر زیبایی بخشی اثر وی می‌افزاید: شاعر سعی دارد با زبان و بیانی شاعرانه تفکرات و تخیلات درونی خود را به قلم بکشد و بهره‌گیری از این عنصر موجب می‌شود که این کار را به بهترین و زیباترین وجه ممکن انجام دهد و در نتیجه تأثیر بیشتری روی مخاطب بگذارد:

حَبِيبِي .. أَ هذَا أَنتَ ؟ أَهذَا أَنتَ ؟ تَخْتَرِقُ الصُّوَرُ/ أَهذَا أَنتَ ؟ تَجذِبُ قَلبِيَ الْمَكلُومَ/ أَطارِقُ هذَا أَنتَ وَحدَكَ/جِئتَ وَحدَكَ ؟ أَينَ أَحمدْ ؟ أَينَ أَحمدْ ؟/ طارِقُ .. هيَّجْتَ قَلبِي/ أَتَلْعَبُ بَعدَ الْيَومِ مِنْ دُونِ أَحمدْ ؟/ طارِقُ .. هيَّجْت قَلبِي/ أَتَلْعَبُ بَعدَ الْيَومِ مِنْ دُونِ أَحمدْ ؟ / أَتَأكُلُ مِنْ دُونِ أَحمدْ ؟/ أَتَشْرَبُ مِنْ دُونِ أَحمدْ؟ (المقادمة، ۲۰۰۳م: ۲۱)

شاعرحزن و اندوه خود را با تکرار جملهٔ پرسشی أهذا انت؟؟ به خواننده منتقل می‌کند، علاوه بر ریتم موسیقیایی که با تکرارجملات پرسش به کلام بخشیده تکرار همزهٔ استفهام نزدیکی عاطفی شاعر با شخصی که خطاب قرار گرفته را نشان می‌دهد. گفتمان استفهامی خود را مطابق با مقتضای حال القا نموده‌اند. نکته مهم این است که در چنین پرسش‌هایی، کنش یا فعالیت دیگری از طریق پرسیدن سوال انجام می‌شود (ابن الرسول و همکاران،۱۳۹۱: ۷). روشن است که، این نظریه زبان‌شناسی مدرن (هماهنگی سخن مقتضی با حال مخاطب) با نظریه‌های کلاسیک بلاغت عربی کاملاً همخوانی دارد؛ به عنوان نمونه، تفتازانی بر آن است که: مسائل روبنایی(ساختار ظاهری کلام) در مسائل زیربنایی (بلاغت) تغییراتی متناسب با مقتضیات حال و مقام می‌یابد (تقتازانی،بی تا: ٢٥٦). شایان ذکر است که تکرار «هاء» نیز بر اندوه باری فضا افزوده است؛ چرا که «هاء» آوای حلقی فرسایشی مهموس است (بشر،۲۰۰۰: ۳۰٤-۳۰۵). حرف «ه» معمولا در کلام نشان دهنده‌ی کشش و لطافت در آهنگ و ساختار و نبود تنافر در اص وات حروف است و حالت‌های روانی یا فیزکی معینی را می‌رساند (عباس،۱۹۹۸: ۲۰۱).

در کنار آواهایی که بر رنج و اندوه و خشونت دلالت می‌کنند در برخی از اشعار و یا مقاطع شعری وی با نوعی ریتم آرام‌بخش و پر از امید مواجه می‌شویم که از هم‌گرایی واج‌های «س» و «ش» حاصل می‌شود:

فِي غَدٍ يُنْشِدُ الْأَطْفالُ/ لِلْإِسلامِ لِلْيومِ السَّعيدْ/ فِي سَبِيلِ اللهِ لِلْإِسلامِ سِرْنا/ نَنْصُرُ الْإِسلامَ لا نَخْشَى الْعَبيدْ (المقادمة، ۲۰۰۳ش: ۸)

در این بیت وجود واج «س» علاوه بر آن که بر حرکت، و شور و شوق تأکید می‌کند، در راستای تداعی معنای امید به کودکان فلسطینی و القای حس شادی و آرامش شاعر ایفای نقش می‌کنند؛ چرا که «س» از حروف صفیری است که نوعی احساس صوتی را القا می‌کند (عباس،۱۹۹۸: ۱۱۰). حروفی که لثوی و دندانی هستند به هنگام تلفظ طنین بیشتری دارند و از ارزش موسیقائی بیشتری برخور دارند، نظیر حروف: «ش»، «س» و... (ملاح،١٣٦٧: ٧٥). تفعیله‌های به‌کار رفته در این قصیده نیز از بحر رمل است که

وزنی هیجان‌آور و نشاط انگیز و در عین حال سنگین است. تکرار سه بارهٔ واژهٔ «اسلام» و نغمه‌ای که از تکرار واجهای «ن» و «م» پدید آمده، بحر رمل به وزنی جویباری و ملایم تبدیل شده که نغمه‌ای نرم و لطیف را تداعی می‌کند.

بحر رمل پرکاربردترین وزن شعری به‌کار رفته در اشعار مقادمه است، در واقع نیمی از اشعار وی بر همین سبک سروده شده است. دربیت زیر بر همین وزن، تکرار واج روان «ل»به عنوان حرفی نرم و رقیق القاگر امید و آرزوی شاعر می‌شود که شهادت را راه نجات و سعادت خود و ملت می‌داند و در این مسیر از پروردگار طلب مساعدت دارد:

لا يُبالِي فِي سَبيلِ الْحَقِّ لَوْسالَتْ دِماهُ/ أَنا لِلْجَنَّةِ أَحيا ، يا إِلهي/ فِي سَبيلِ الْحَقِّ فَاقْبِضْنِي شَهِيداً/ وَاجْعَلِ الْأَشْلاءَ مِنِّي مَعْبَراً/ لِلْعِزِّ ، لِلْجِيلِ الْجَدِيدِ *(همان:۱۰)*

همانگونه که مشاهده می‌شود تکرار حروف نرم «ح، ج، ش، ن» در کنار تکرار ۲۱ بار «ل» موسیقی ملایمی خلق کرده که انعکاس دهندهٔ عواطف و احساسات شاعر شده است.

لایهٔواژگانی

لایهٔ واژگانی از سطوح موثر و مهم‌زبانی در یک اثر ادبی به شمار می‌آید؛ زیرا نوع گزینش واژگان و الفاظ گوینده نقش مهمی در تعیین سبک وی ایفا می‌کند، به گونه‌ای که تنوع سبک در متون ادبی بستگی به واژگان و کاربردهای زبانی آنها در کلام شاعر و یک نویسنده دارد. سبک محصول گزینش خاصی از واژه‌ها، تعابیر و عبارات است. نویسندگان مختلف برای بیان یک معنای واحد تعابیر مختلف دارند و از واژه‌ها و عبارات گوناگون استفاده می‌کنند و بدین ترتیب سبک آنها اختلاف دارد. و به تعبیر دکتر فتوحی واژه‌ها جاندار و پویا هستند و بار عاطفی و فرهنگی دارند (فتوحی، ۱۳۹۰ش: ۲۱۹) بنابر نوع الفاظ گوینده و میزان استفاده وی ازواژگان رسمی، عامیانه، جدی، تشبیهی، کنایی و.. گونهٔ خاصی از یک سبک شکل می‌گیرد. بررسی هر یک از مؤلفه‌های ذکر شده در یک اثر، ساختار واژگانی و زبانی مؤلف را در نگارش متون ادبی

تعیین می‌سازد و مهمتر اینکه روشنگر اندیشه‌ها و جهانبینی نویسنده خواهد بود *(همان: ٢٦٧)*.

واژگان حسی و انتزاعی

واژگان حسی یا انتزاعی، واژگانی هستند که از آنان تحت عنوان شفاف و تیره نیز یاد می‌شود. در بررسی لایهٔ واژگانی زندان سروده‌های ابراهیم مقادمه مشخص شد که ٦٠ درصد واژگان حسی و٤٠ درصد انتزاعی هستند. فزونی واژگان حسی در اشعار مقادمه به سبب اسارت طولانی ایشان و توجه زیاد به مکان و محیط پیرامون انسان فلسطینی است. بسامد نسبتا زیاد مکان‌هایی از قبیل زندان و سجن و واژگان مرتبط با آن مانند قید، شرک، شبک، حدید، سلسال، جدران، فولاذ، منافذ، باب، درب، قضبان، رسائل.... تصاویر و صحنه‌هایی شفاف از اسارت انسان فلسطینی را به‌نمایش می‌گذارد که مخاطب را در تجسم اوضاع یاری می‌رساند:

وَيَأْتِي اللَيلُ يَطْرُقُ بابَنا الْمُقْفَلْ/ وَقُضبانُ الْحَديدِ تَدُقُّ إِسْفِينا/ وأَبوابٌ مِنَ الْفُولاذِ تَرْبُضُ فِي فَمِ الْمَدْخَلْ/ وقَلبِي نابِضٌ ، هاتُوا سَلاسِلَكُم/ هاتُوا بَنادِقَكُم ، هاتُوا قَنابِلَكُم/ ويَمْضِي اللَّيلُ هَيَّا دُونَكَ اِصْلُبْنِي/ عَلَى الْجُدرانِ ، وَاحْرُمْ مُقْلَتَيَّ النَّومَ/ هاتِ الضَّربَ ، هاتِ الرَّكلَ ، لا تَبخَلْ/ وَكُلُّ وَسائِلِ التَّعذيبِ جَرِّبْها ، وَلا تَخْجَلْ (المقادمة، ٢٠٠٣م: ٥)

بیشترین کارکرد واژگان تیره یا انتزاعی در این مجموعه عبارتند از: حب، شوق، آه، آلام، اسقام، صبر، ظلم، حق، ثورة، ثقة، هدف، عزیمة، ایمان، ثأر، سلم، حقد، ذل، هوان، مجد، رشد، شجاعة، عز، عار، عزم و... که بیانگر چند نکتهٔ کلیدی درشعر مقادمه به عنوان یک شاعر پایداری هستند:

- کینه‌توزی و ظلم و ستم دشمنان- رنج و عذاب انسان فلسطینی- انتقام‌جویی و ظلم ناپذیری-شجاعت، صبر و ایمان وی در تحمل سختی‌ها:

- وعَزيمَتِي نارٌ بِها الإيمانُ يَشتعلُ/ فإنَّ الموتَ أهونُ مِنْ قَبولِ العارِ يا أرذلَ.../بِلالٌ ، يا بلالَ الخيرِ عَلِّمْني ./ دروساً فِي تحدّي البطشِ/ أحفظُها ولا أغفلُ (المقادمة، ٢٠٠٣م: ٦)

- إنَّ دربَ العزِّ مفروشٌ بأنَّاتِ الجَراحِ/ بالأذى العذبِ ، بأشواقِ الطَّريقِ/ بالضَّحايا ، باليتامى، والثَّكالى/ بزنازينِ العذابِ/ بِالمعاناةِ التي تستولدُ العزمَ وتُحيي/ نفحةَ الإيمانِ فِي ميتِ القلوبِ/ تبعثُ الإصرارَ لِلثأرِ العنيدِ *(همان: ۹)*

- أ بُنيّتي ، كُوني على ثقةٍ / بالحقِّ ، بالنصرِ/ مهما استبدَّتْ ظلمةُ الحللكِ *(همان: ٤)*

بسامد نسبتا بالای به‌کارگیری این واژگان به عنوان یک عنصر تاکیدی، جهت‌گیری فکری نویسنده را نشان می‌دهد، بدین صورت که غالب واژگان انتزاعی نیز در راستای واژگان حسی به‌کار رفته‌اند؛ انسان فلسطینی با ایمان به پروردگارش رنج و اندوه زندان و شکنجه‌های دشمن را تحمل می‌کند اما ظلم دشمن را نمی‌پذیرد و مرگ در راه خدا را پسندیده‌تر از قبول خواری و حقارت می‌داند.

واژگان صریح و ضمنی

هر واژه به طور بالقوه دارای بار معنایی صریح یا ضمنی است که شاعر متناسب با شرایطی که در ساختار متن ایجاد می‌کند آن معانی را به‌کار می‌گیرد. معنای صریح یا معنای حقیقی، معادلی است که در فرهنگ‌ها در مقابل هر واژه نوشته می‌شود ومعنای ضمنی هر واژه علاوه بر معنای قاموسی دارای معنای دیگری است که ضمنی یا تلویحی نامیده می‌شود و مبتنی بر جنبه‌های عاطفی، فرهنگی و اجتماعی است (عمرانپور،۱۳۸۷ش : ۱۷۷). به‌تعبیری دیگر واژگان صریح در تناسب با متون عین‌گرا و علمی هستند که در آنها دلالت‌های صریح نقش مسلط دارند و واژگان ضمنی متعلق به هنرند (گیرو، ۱۳۸۳ش: ٤٧)، و ابعادی زیبایی شناختی-کنایی، تشبیهی و استعاری- دارند که بسط آنان مربوط به لایهٔ بلاغی است و در این لایه به ذکر هنری و صریح بودن واژگان بسنده می‌کند:

دلالت واژگانی	نوع واژه	نمونه	صفت سبک
علمی	صریح	حق، حزن، صبر، تردد، عیون، لیث، غاب، علم القراءة والحساب، غاز وبنزین، تصدیر الطماطم، قنابل، شوک، فرح،قنابل الغاز المدمّع	عین‌گرا
هنری	ضمنی	حبَّةَ القلب، نورَ العیون، درب العزِّ، أسود، زهرة الحقِّ، عقارب الزمن ،نیاط قلبی ،غربتی السوداء،واثق الخطوة، مرتاح الضمیر، شغاف القلب، مقلتی، ربیع القلب،أحفاد الإباء، لبان الإباء، حماس ترعی شبلها، درب التفاوض والکذاب، شوک الصعاب، فرح مجنح	کنایی، تشبیهی،استعاری

واژگان نشان‌دار

نشان‌داری واژگان نیز از مشخصه‌های دیگر است که سبک‌شناس در لایهٔ واژگانی به کار می‌گیرد. «متون ادبی و سخنان اعتقادی اساسا ارزشی و شخصی‌اند و حاوی دیدگاه شخصی گوینده هستند؛ بنابرین طبیعی است که سرشار از واژه‌های نشان‌دار باشند» (یارمحمدی، ۱۳۸۳ش: ٦٣).

کاربست واژگان نشان‌دار در اشعار مقادمه وابستگی به دو حوزهٔ دین و وطن را تأیید می‌کند، که دال‌های حوزهٔ وطن تمام واژگان القاگر مقاومت و پایداری، میارزه و انتقام و حتی رنج و اندوه هم‌وطنان و توصیف وحشی‌گری‌های دشمن را شامل می‌شود که با این توضیح باید گفت غالب واژگان به‌کار رفته در اشعار مقادمه ارزشی و نشان دارند.

دلالت واژگانی	نوع واژه	نمونه
نشان‌داری	تأییدکننده عقائد دینی	الله، رب، الحمد، مجیب الدعاء، حسین، اله، رسول، الرحمن، محمد، ایمان، جهاد، شهید، جحیم، جنان الخلد، اسلام، آیات الکتاب
	وطن، مقاومت و مبارزه‌طلبی	دیر یاسین، قسام، عیاش، شراتح، نسل البواسل، قبیةٌ ، شاتیلا، صبرا، شمس،شبل، لیث، اسود، مجاهد، شهداء، ابریاء، فدائی، اباء، عزیمة، عزّ، صبر، شجاعة، فتیة، ثأر، بواسل، ثورة البرکان، صمود
	دشمن	قاتل،لص،ذل،قتل،کلاب،ذئاب،قاتل،عقاربالزمن،رزائل،سفک، ظلم، طغیان
	حسرت و اندوه	شوق، الم، اوجاع، اسقام، قید، زنزان، فولاذ، سلاسل، سجین، آه، دمع، آهات، أسف، لهف، یتم، غربة، شجون، جرح،عذاب، ثکل، بکاء، ثاکلات، یتامی، مکلوم، معاناة، أشلاء

لایهٔ بلاغی

در این سطح صور بیانی و بدیعی از قبیل تشبیه، استعاره، تصویرپردازی، حس‌آمیزی، تشخیص و حتی نمادپردازی نیز به‌عنوان عوامل تاثیرگذار در متن مورد بررسی قرار می‌گیرند، چرا که یک سبک بلاغی در کاربرد زبان از روش یکنواختی استفاده نمی‌کند، بلکه آمیزه‌ای از روش‌های مختلف بهره می‌گیرد (فرکلاف، ۲۰۰۰م: ۹۶). شگرد شاعر در استفاده از این هنرها در راستای شعریت بخشیدن به سروده‌اش، نوعی دیگر از سبک‌شناختی اثر وی را به دست می‌دهد. بررسی لایهٔ بلاغی اشعار مقادمه حاکی از این است که این شاعر از شگردهای مختلفی برای تاثیرگذاری بیشتر بر خواننده استفاده کرده است. از مجموع تشبیهات به‌کار رفته در اشعار ابراهیم مقادمه تشبه حسی به حسی ۷۰ درصد را به‌خود اختصاص داده، عقلی به حسی۲۵ درصد و حسی به عقلی تنها ۵ درصد را به‌خود اختصاص داده است. تشبیه حسی به حسی از پرکاربردترین تشبیهات مقادمه است که از ذهنیت حسی و بازتاب محسوسات در ذهن شاعر حکایت دارد:

– وصبَّ الثلجُ ، فِي كانونٍ ، في صدرِي فإنَّ القلبَ كالمرجلِ(المقادمة، ۲۰۰۳: ٥)- عيّاشٌ أنتَ النُّورُ في دنيا تَسربَلتْ الضبابُ/ عياشٌ أنتَ الليثُ في زمنٍ تَسوَّدتْ الكلابُ (همـان: ۳۲) – وتقفزُ كالعصفورةِ انحطّتْ على شَركِ (همان: ۲)

اما پس از تشبه حسی به حسی، تشبیه عقلی به حسی با بسامد کمتری به‌کار رفته تا شاعر با استفاده از آن ذهنیت انتزاعی خویش را با همانندسازی حسی به سادگی برای خواننده یا مخاطب ترسیم کند و به تعبیری دیگر با استفاده از مشبه‌به‌های محسوس می‌تواند پدیده‌های عقلانی را به سادگی به تصویر بکشد و باعث تاثیر بیشتر مفاهیم و معانی مورد نظر گردد:

– وعزيمتي نارٌ بها الإيمانُ يشتعلُ/ ورَوعي باردٌ كالطَّلِّ (همان: ٦)

تشبیه حسی به عقلی نیز تنها در دو مورد به‌کار رفته که به‌واسطهٔ آن عیاش در مواجهه با مشکلات اسطوره‌ساز است و هر کس غیر او دروغی هستند که تنها روشنگر سرابند:

عيّاشٌ أنتَ الرمزُ حقاً حينَ تعترضُ الصعابُ/ وسواكَ زيفٌ حينَ نلحقُه سنكتشفُ السرابَ (همان:۳۳)

استعاره، دیگر صنعت ادبی است که در اشعار مقادمه از بسامد نسبتا چشمگیرتری برخوردارست:

– إنَّ دربَ العزِّ مفروشٌ بأنَّاتِ الجراحِ (همان: ۹)

شاعر برای تجسم‌بخشی عزت، آن را به آستان و بارگاهی همانند می‌سازند که با آه و رنج و حسرت فرش شده است، تا بدین صورت دستیابی به عزت را در گرو فداکاری، جانفشانی مبارزان و تحمل سختی‌های مسیر معرفی کند؛ مبارزانی که سر تسلیم در برابر شکنجه‌های دشمن فرود نمی‌آورند:

رَضعْنا لبانَ الإباءِ معاً/ وكان النقاءُ لنا مُرضعاً (همان: ۱۷)

به تعبیر ابراهیم مقادمه، راز سرسختی و تسلیم‌ناپذیری مبارز فلسطینی این است که شیر اباء خورده است و پاکی مادر او بوده است و اینک در جوانی «حماس» او را رمز غیرت و زینت جوانان جهان ساخته است:

-وحماسٌ إذْ غرستْ بروحِكَ عزمَها /فغدوتَ رمزاً للحِمى وغدوتَ زيناً للشبابِ *(همان: ٣٢)*

شاعر برای ترسیم نهادینه شدن عزم و ارادهٔ حماس در عمق جان جوانان فلسطینی، کاشتن عزم را به عاریه می‌گیرد، چرا که کاشتن درخت عزم با عجین شدن و ریشه دوانیدن او در خاک فلسطین همراه خواهد بود.

کاربست نماد در متن ادبی یکی دیگر از شاخصه‌های زیباسازی و ویژگی‌های سبکی به شمار می‌آید. نماد یا رمز در شعر معاصرابزاری اساسی برای القای معانی مورد نظر توسط شاعران است که قابلیت تأویل و تفسیرهای مختلفی را داراست (بسیسو، ١٩٩٩م: ٢٣٣).

مقادمه از این شاخصه در راستای القای نگرش و احساسات شخصی خود و با توجه به واقعیت کنونی انسان فلسطینی بهره می‌گیرد:

- أنا أحرمُ شعبَي قوتاً/ أأنا أمْ ذاك الذي/ وضعَ القيدَ بأيدِي شعبِنا/ أُغلِقَ البابُ عليه/ سَلّمَ المفتاحَ للّصِّ الحقيرِ (المقادمة، ٢٠٠٣م: ٣٧)

«کلید» در این ابیات نماد امید بازگشت به وطن و زنده شدن خاطرات خوش زندگی در فلسطین و «دزد» نماد رژیم صهیونیستی است. شاعر با لحنی اعتراضی عرب‌های خائنی را خطاب قرار می‌دهد که نه‌تنها برای آزادی انسان فلسطینی تلاش نمی‌کنند بلکه امید بازگشتی نیز برایش باقی نگذاشته‌اند.

خورشید واژهٔ دیگریست که شاعر در قصیدهٔ «لا تسرقوا الشمس منا» آن را نمادی نو برای وطن و آزادی و آزادگی قرار داده است:

خُذوا كلَّ شيءٍ ولا تسرقوا الشمسَ منّا / خُذوا القمحَ لكنْ ... / خذوا النفطَ لكنْ ... /خُذوا الروحَ لا بأسَ/لا تسرقوا الشمسَ منّا (همان: ١٠)

تکرار چندین بارهٔ خورشید در کل قصیده آن را به واژهٔ کلیدی و با ارزش‌ترین سرمایهٔ شاعر تبدیل کرده است به نحوی که تمام سرمایه‌های دیگر از نفت تا گندم و حتی جان آدمی در مقابل آن بی‌ارزشند.

«بلال» در زندان‌سروده‌های مقادمه رمز مقاومت و مبارزه‌طلبی است:

بلالٌ ، يا بلالَ الخيرِ علّمْني / دروساً في تحدّي البطشِ/ أحفظُها ولا أغفلُ/ وأرفعُ هامتي للشمسِ

ومنْ ظلمِ الزنازينِ/ سأخرجُ في يدِي المشعلَ/ لِأُرشدَ أُمّتي العزلاءَ/ أصنعُ للغدِ الآتي/ بطولاتٍ (المقادمة، ٢٠٠٣م: ٦)

شاعر از بلال می‌خواهد به وی درس ایستادگی و مبارزه با دشمن را بیاموزد تا اینگونه با از بر کردن آموزه‌های بلال، شاعر از ظلم و شکنجه‌های زندان رهایی یابد، مشعل هدایت به دست گیرد و برای امتش اسطورهٔ قهرمانی و آینده‌ای روشن بیافریند.

حس‌آمیزی و رنگ‌بخشی به مفاهیمی که در کنار هم نامأنوسند و یا رنگ‌پذیر نیستند،یکی دیر از شگردهای ادبی ابراهیم مقادمه است که با هدف برجسته‌سازی سخن از آن بهره برده است:

-على الشَّبكِ ، أُواجهُ صوتَهُ الرنّانْ/ يهتفُ صائحاً أَبتي/ فيعزفُ أعذبَ الألحانْ *(همان: ٢)*

شاعر در این بیت با بهره گرفتن از حواس انسانی وجابه‌جایی این حواس با یکدیگر به نوعی آشنایی‌زدایی دست یافته است، لحن و آهنگ مربوط به حس شنوایی است اما شاعر با آشنایی زدایی شیرین‌بودن که حسی چشایی است را جایگزین شنیداری سخن می‌کند. عواطف انسانی موضع دیگریست که تنها ضمیر ناخودآگاه آدمی یا به تعبیری حس ششم قابل درک است اما این عواطف برای شاعر به‌حدی با ارزش است که تنها با حس شیرینی و حلاوت توانسته آن را وصف کند:

دقيقتينِ أو ثلاثٌ.../ لا تحلمُوا بغيرِها/ ما أعذبَ العواطفَ المكثّفةَ (المقادمة، ٢٠٠٣م: ١٤)

رنگ‌بخشیدن به مفاهیم ذهنی که رنگ‌پذیر نیستند، یکی دیگر از مصادیق آشنایی‌زدایی در شعر مقادمه است:

-عائدٌ مِنْ ثَنايا غربتي السوداءِ عائدٌ *(همان: ٣٠)*

شاعر در این بیت، به غربت تبعیدگاه، تنهایی و وحشت خویش رنگی سیاه بخشیده است که به خوبی فضای اندوه‌بار و غم‌انگیزی را به مخاطب القا می‌کند. اما نکته‌ای که نباید از قلم انداخت، این است که تخیلات و تصویرپردازی‌هایی اینچنین جدای از بدیع و نو ساختن سخن برای خواننده، در توسعهٔ قلمرو واژگانی که در اختیار گوینده خواهد بود، نقش به‌سزایی دارد.

لایهٔ نحوی

دربررسی لایهٔ نحوی به‌عنوان یک ویژگی سبکی، ساختمان جمله و هماهنگی آن با الگوی متعارف زبانی، اسمیه یا فعلیه بودن جمله، معلوم و مجهول بودن و زمان افعال، نقش معنایی آنان (خبر، امر، پرسش و..) حائز اهمیت است، بدین صورت گزینش هر یک از این ساختارها دال بر باور، ایدئولوژی و اندیشهٔ خاصی خواهد بود که نویسنده در سدد انتقال آن برمی‌آید. استفاده از جملات اسمیه و ساخت مبتدا- خبری بر ثبوت و پایگانی یک امر، جملات فعلیه بر تغییر و حادث شدن در یکی از زمان‌ها دلالت دارد (التفتازانی، د.ت: ۱۵۹) و هر یک از این زمان‌های گذشته، حال یا آینده، نشان‌دهندهٔ میزان فاصلهٔ گوینده با موضوع است. تغییر فاصلهٔ گوینده با واقعیت، زاویه دید و ذهن او را تحت تاثیر قرار می‌دهد. گذشته بر اینکاربست جملات خبری بر روایتگری و گزارش واقعیات توسط گوینده حکایت دارد و جملات انشایی: وجوه تمنایی، دعایی، پرسشی، امر، نهی و شرط، دال بر تسلط افکار و نگرش گوینده بر متن است (فتوحی، ۱۳۹۰ش: ۲۹۱).

خوانش اشعار ابراهیم مقادمه از منظر زمان افعال بسامد زمان گذشته ۱۰٤بار، حال ۲۲۰ بار و آینده ۱۲ بار را تأیید می‌کند و این امر، حاکی از این است که وی بر واقع حال انسان فلسطینی تاکید ویژه‌ای دارد؛ لذا بسامد نسبتا چشمگیر زمان حال، حضور بی‌واسطهٔ گوینده را با واقعیت نشان می‌دهد. مقادمه اکنون دربند اسارت است، درد شکنجه به جان می‌خرد اما زیر یوغ دشمن نمی‌رود (حضور گسترده زمان حال) و نتیجهٔ این ایستادگی فردایی روشن و پیروزی حق خواهد بود (آینده):

أحرمُ منها هدوءَ المنامِ/ وتسهرُ مَوثقاً كفّيْك، مشدوداً إلى الحائطِ/ وأسهرُ بالليلِ .. قيدُكَ قيدِي/ وتصمدُ .. أصمدُ .. لا فرقَ / حسينُ .. نعمْ يا حسينُ لا ترتضِي بالهوانِ/ ترفضُ العينُ إغفاءةَ الذلِّ /ترفضُ اليدُ رفعَ اليدِ/ لا بأسَ بالكسرِ .. بالموتِ/ نصنعُ بالموتِ فجرَ الغدِ/ ومِن زنزانةٍ فِي السجنِ أو وَجعٍ بمستشفى/ ستولدُ فرحةُ العتقِ/وعبرَ جراحِنا ، وقوافلُ الشهداءِ فِي السّاحةِ /ستزهرُ زهرةَ الحقِّ (المقادمة، ۲۰۰۳م: ۱۷)

مقادمه بر این باور است که زنـدان و شـکنجه، جـوان مبـارز فلسـطینی را سسـت و تسلیم دشمن نمی‌سازد، او راه مولایش امام حسین (ع) را در پیش مـی‌گیـرد و خـواری نمی‌پذیرد؛ چرا که از دل این زخم‌ها و دردهای اسارت گل‌های حق شکوفا خواهد شد و اما شاعر عمق تاثیرپذیری خود از اعمال ددمنشانهٔ صهیونیست‌ها رابا فعـل ماضـی بـه تصویر می‌کشد تا بیان کند که دیر زمانیست که دشمن از سرزمین شـاعر چیـزی بـه‌جـا نگذاشته و پستی و رذالت را جایگزین بزرگی‌ها ساختند؛ لذا تمایل به بازگویی مـاجرا و ترسیم آنچه بر فلسطین و انسان فلسطینی گذشت، سبب می‌شود که شاعر از فراینـدهای فعلی و جملات فعلیه در قالب زمان گذشته بهرهٔ بیشتری ببرد:

نَشَروا بِبَلدَتِنا الْخرابَ فما لَهُمْ إلّا الْخَرابْ/ لَمْ يَرْحَمُوا شَيْخاً وَ لا طِفْلاً تَلَفَّحَ بِالتّيابْ/ قَدْ أَرْضَعُوهُ قَنابِلَ الْغازِ المدَمِّعِ وَالْهَبابْ / قَدْ عَلَّمُوهُ الْحِقْدَ مَعَ عِلْمِ الْقِراءةِ وَالْحِسابْ / غرسُوا الرذائلَ أغلقوا وجهَ الفضيلةِ كلَّ بابٍ *(همان: ٣٣)*

«نحو» مجموعه قواعدی است که شیوه‌ی آرایش کلمات را در جملات و گزاره‌هـای زبان تعیین می‌کند. در واقع الگوهای نحوی زبان نشان می‌دهند کـه چگونـه واژه‌هـا بـه یکدیگر پیوند می‌خورند. در نتیجه، رعایت قواعد نحـوی منجـر بـه تولیـد جملـه‌هـای «خوش‌ساخت» می‌شوند، هر چند که بر مبنای قواعد بنیادینی که ساختار نحوی هر زبان را مشخص می‌کنند، عملا بی‌نهایت ترکیب متفاوت کلمات امکان‌پذیر اسـت. چامسـکی با توجه به این واقعیت که کودکان می‌توانند با ترکیب کلمـات بـه شـیوه‌هـای متفـاوت، جملات تازه‌ای بسازند، بر این باور است که تمامی انسان‌ها توانش دسـتوری مشـترکی دارند که ورای تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌هاست (پیتر سجویک،۱۳۸۷: ٢٦٥ بـه نقـل از امیری و نورالدین پروین، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

صورت‌های زبانی خارج از چارچوب و قواعد دستوری زبان، در حکـم واحـدهای زبانی منفردی هستند که بدون ترکیب و هم‌نشینی در ساختی بـزرگ‌تـر بـه نـام جملـه، قابلیت انتقال مفاهیم را ندارند؛ از این رو ساختار نحوی جملات در پیدایی سبک فردی نقش تعیین کننده‌ای دارد. درصد واژگان به کار رفتـه در یـک مـتن، بلنـدی و کوتـاهی عبارات، پیوند جمله‌ها و نحوه‌ی ارتباطشان با یکدیگر و... گونه‌های مختلفی از سبک را

بوجود می‌آورد. کارکرد هر یک از مولفه‌های یاد شده به همراه بسامد بالای آن‌ها در یک اثر ادبی، سبک یا به اصطلاح «نحو نشاندار» یک نویسنده و یا گوینده را شکل می‌دهد. نحو نشاندار در مقابل نحو معیار قرار می‌گیرد و مقصود از آن ساخت‌های دستوری و نگارشی خاص هر سخنگوی زبان است. هر اندازه که ساختمان جملات و عبارات خود به کار بَرد، سبک اثر وی به نشانداری و فردیت نزدیک می‌شود (امیری و نورالدین پروین،۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰٤). از جمله مباحث اساسی که نقش مهمی در صدای دستوری ادیب و بازتاب افکارش دارد، بررسی خبری یا انشائی بودن جملات در متون ادبی است که در اشعار مقادمه از آن رو که وی سال‌های زیادی از عمر خویش را در میدان نبرد با دشمن و یا در پشت میله‌های زندان سپری کرده و راوی رنج و اندوه مردمان رنج‌کشیدهٔ سرزمینش است با حضور گستردهٔ جملات خبری مواجه هستیم. ضمن اینکه وی از کارکرد هنری جملات انشایی غافل نبوده و بسامد چشمگیر به‌کارگیری این جملات در اشعار وی قابل توجه و مانع رکود و ایستایی کلام شده است، به‌طوریکه در اشعار مقادمه نمی‌توان قصیده‌ای را یافت که تنها به یکی از جملات خبری یا انشایی اکتفا کرده باشد و این مهم، یکی از شگردهای شعری این شاعر متعهد است:

لنْ نستكينَ لبطشِكم ، هيهاتَ ، لنْ نرحلَ/ ويأتي الليلُ يطرقُ بابَنا المقفلْ / ويمضِي الليلُ ، هيَّا دونَكم جسدي / وشرّدْ أسرتِي ما شئتَ/ واهدمْ فوقَها المنزلْ/ وعذِّبْ صبيتِي ، هيهاتَ أنْ أهينَ/ وقلبِي عامرٌ بالذكرِ يبتهلْ (المقادمة، ۲۰۰۳: ٥)

در این قصیده شاعر به تناوب از جملات خبری و انشایی تا پایان، به منظور توصیفی شرایطی که دشمن برای عذاب انسان فلسطینی فراهم آورده و واکنش انسان فلسطینی در بربر این اقدامات استفاده کرده است تا سیاهی و ظلمت زندان و شکنجه را در مقابل ارادهٔ محکم جوانان وطن کوچک و ناچیز بشمارد. بسامد کاربرد جملات خبری و انواع جمله‌های انشایی در قالب جدول ذیل ارائه می‌شود:

قطعیت خبری- انشایی	خبری	انشایی				
		امر و نهی	ندا	استفهام	تمنی	دعا
بسامد	٢٦٥	٨٩	٧٤	٥٤	٥	١٩

لایهٔ ایدئولوژیک

ایدئولوژی، نظامی از باورها و عقاید است که بیانگر نگرش و زاویه دید یک گروه اجتماعی نسبت به مسائل مختلف است و «متن شکل صوری ذهنیت و شخصیت نویسنده، به‌عنوان جزئی از اجتماع و ارزش‌ها، باورها، احساسات و داوری‌های وی دربارهٔ امور است که با ویژگی‌های فکری و وضعیت اجتماعی و نگاه وی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. چه گفتن و چگونه نوشتن همه را ایدئولوژی تعیین می‌کند و بر همه لایه‌های کلام، آواها، واژگان و نحو سیطره دارد» (فتوحی، ١٣٩٠ش: ٣٤٥).

بررسی زندان سروده‌های ابراهیم مقادمه در لایه‌های پیشین، درک لایهٔ ایدئولوژیکی و نگرشی وی را آشکار می‌سازد، چرا که بررسی هر یک از لایه‌های آوایی، بلاغی، واژگانی و نحوی روشنگر نگرش حاکم بر این مجموعهٔ شعریست واز هماهنگی این لایه‌ها با افکار و اندیشه‌های شاعر حکایت دارد؛ لذا هر آنچه که در لایه ایدئولوژیکی به‌عنوان بن‌مایهٔ نگرشی اشعار وی ذکر می‌شود در حقیقت از مقولهٔ تکرار مکررات است. اشعار مقادمه صِرف شعار نیست بلکه رنج و اندوه یک مبارز فعالِ دربند اسارت است که از دغدغهٔ و درد جمعی مردم سرزمین می‌نالد، او را به صلیب کشیده‌اند، شکنجه‌ها تحمل می‌کند اما هنوز ایستاده و جوانان وطنش را به ایستادن و مقاومت و مبارزه تشویق می‌کند:

سأصبرٌ رغمَ تعذيبِي وآلامِي/ وأَصبرُ رغمَ أوجاعِي وأَسقامِي/ ولما تصعدُ الآهاتُ منْ قلبِي فلا تعجلْ/ فتلكَ الآهُ للرحمنِ أرسلَها لتثبيتِي/ فإنَّ الموتَ أهونُ منْ قبولِ العارِ يا أرذلُ/ وإنَّ الْآهَ للرحمنِ أطلقَها/ تُخففُ وطأةَ الآلامِ تطفىءُ لذعةَ الحنظلْ (المقادمة، ٢٠٠٣م: ٦)

ظلم‌ناپذیری، تسلیم نشدن در برابر دشمن و تحمل شکنجه‌ها ایدئولوژی و نگرش اساسی مقادمه است؛ چرا که وی ایمانی راسخ به پروردگار و وعده‌های راستینش در باب پیروزی حق و ناپایداری پایه‌های ظلم دارد.

موضوع تمام اشعار او را فلسطین و انسان فلسطینی تشکیل می‌دهد. پدر «يا أبتي :/صبراً ، يهونُ الأذى إنْ يشرفُ الهدفُ» (المقادمة، ۲۰۰۳م: ۳) مادر «رفقاً بقلبِ الأمِ يا ربَّ السماءِ/ يا راحماً واربطْ بفضلِكِ قلبَها» *(همان: ٢٤)*، شهيدٌ وأسيرٌ «ومن زنزانةٍ في السجنِ أو وجعٍ بمستشفى/ ستولدُ فرحةُ العتقِ/ عبرَ جراحِنا ، وقوافلُ الشهداءِ في السّاحةِ» *(همان:١٧)*، مبارز و فدایی فلسطینی «كم حزنٌ وكم فرحٌ مجنّحٌ/ إذ أنتَ تُخبرُني/ بأنَّك قد جُرحتَ وسوفَ تُجرَحُ/ إنِّي نذرتُكَ للإلهِ مُجاهداً» *(همان: ٢٦)*/ «يا ذا الفدائيُ الذي عَشِقَ الشجاعةَ و التَّفاني» *(همان: ١٥)*، تا کودکان این دیار «في غدٍ يفرحُ الأطفالُ يا أبتاهْ/ بالفصلِ الجديدْ/ في غدٍ ينشدُ الأطفالُ/ للإسلامِ لليومِ السعيدْ» *(همان: ٨)* همه‌ی این مطالب موضوع شعر مقادمه هستند و شاعر به آنان چشم امید بسته است، زیرا که با وجود جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌های آنان پایه‌های ظلم ریشه‌کن خواهد شد:

يا إخوتِي يا بدرَ هذا الليلِ للظلماءِ قاتلْ/ صُونوا إخوتَكم وأحيُوا ليلَكم فالظلمُ زائلْ/ .../ يا عصبةَ الإيمانِ شقُّوا دربَكم وسطَ الخرائبِ/ أحيُوا جهادَكم صفُّوا الكتائبَ/ لا تَرهبُوا جبروتَهم فالكفرُ خائبْ *(همان: ٣١)*

نتایج

در خوانش این زندان سروده از منظر مؤلفه‌های سبک‌ساز و به‌عبارتی سبک‌شناسی لایه‌ای این نتیجه حاصل شد ابراهیم مقادمه در اشعارش، زندان را سنگری برای ظلم‌ناپذیری و اثبات هر چه بیشتر مقاومت قرار داده است. و ایشان با توجه به ایمان راسخی که به هدف خویش دارد از بیان ایدئولوژی خویش ابایی نداشتند؛ لذا ایشان با اختیار سبک شخصی در لایه‌های مختلف علاوه‌بر بیان افکار خویش، راوی رنج و اندوه مردمان رنج‌کشیدهٔ سرزمینش است، به این صورت که:

– شاعر در لایهٔ آوایی با انتخاب اوزان عروضی، قافیه و تکرار واج‌ها و کلمات متناسب با مفاهیم ایستادگی و ظلم‌ستیزی، از کارکرد صدامعنایی حروف از یک‌سو برای بازتاب رنج و اندوه و از سوی دیگر برای برانگیختن شوق مبارزه در وجود مردم و روشن کردن امید به آینده در وجود آنان بهره برده است. کاربرد بحر رمل نشانگر علاقه و توجه شاعر به اوزان جویباری و ملایم است و بیانگر این مطلب است که ابراهیم مقادمه نه تنها تسلیم شکنجه‌های دشمن و سختی‌های زندان نگشته بلکه در آرامشی معنوی و درونی به سرودن اشعارش دست یازیده است؛ چرا که به پیروزی نهایی حق ایمان راستین دارد.

– از مهم‌ترین ویژگی‌های لایه‌ی واژگانی زندان سروده‌های ابراهیم مقادمه، بهره‌گیری از واژگان در بیان ایدئولوژی شاعر است؛ چرا که شاعر با به کارگیری واژگان حسی مانند زندان و سجن و واژگان مرتبط با آن مانند قید، شرک، شبک، حدید، سلسال، جدران و... تصاویر و صحنه‌هایی شفاف از اسارت انسان فلسطینی را به‌نمایش می‌گذارد که مخاطب را در تجسم ایدئولوژی حاکم بر جامعه مبنی بر کینه‌توزی، انتقام‌جویی و ظلم ناپذیری، شجاعت، ایمان و.. یاری می‌رساند. در واقع شاعر با استفاده از واژگان نشانه-دار (تصویرساز) و نمادهای آزادی و امید و خورشید در قالبی سبکی متوازن سیاهی و ظلمت زندان و شکنجه را در مقابل ارادهٔ محکم جوانان وطن کوچک و ناچیز نشان می‌دهد.

ابراهیم مقادمه با استفاده از تشبیهات و استعارات حسی و قابل درک برای عامه جامعه ارتباط بیشتری با مردم برقرار نموده و ایدئولوژی حاکم بر جامعه به آنان القا کردند. شاعر پایداری با درک درست، ایدئولوژی دستیابی به آزادی، عزت و...، که نتیجه فداکاری، جان‌فشانی مبارزان، تحمل سختی‌های مسیر و تسلیم شکنجه‌های دشمن نشدن، را به جامعه منتقل کرده‌اند که در این مسیر در راستای هم‌زبانی با مردم از استعارات و تشبیهات حسی مانند کاشتن درخت عزم و اراده در عمق جان جوانان بهره برده‌اند.

– ایشان در بخش دستوری با تکیه بر استفهام انکاری توبیخی عـلاوه بـر تبیـین تحسـر خویش، صهوینیست را به شدّت مورد ملامت قرار داده و مردم را بـه تفکـر در اوضـاع زمانه فرا خوانده و روحیه مبارزه‌طلبی را در جان مبارزان تقویت می‌کند.

در ارتباط با لایه ایدئولوژیکی که می‌توان آن را بازتاب سایر لایـه‌هـا قلمـداد نمـود می‌توان گفت کاربرد بحر هزج که از اوزان شور انگیر بشمار می‌رود مـوجی از پویـایی، تحرک و شور و حال به سروده‌های مقادمه بخشیده که بازتابی از انگیزه و روحیه بـالای شاعر در گام نهادن بسوی اهداف خود می‌باشد. در خصوص لایه نحوی و نقـش آن در شکل دهی به ایدئو لوژی شاعر، بکارگیری جمـلات إنشـائی از جملـه اسـتفهام ، دعـا، تمنی، نهی و... بیانگر عمق تحسـر و انـدوه مقادمـه از دور افتـادن و جداشـدن وی از دوستان انقلابی به ویژه احمد از یک سو و شور و حال و پویـایی او در مسـیر انتفاضـه است. شایان ذکر است که در بلاغـت کلاسـیک و کهـن بـه خـوبی اغـراض بلاغـی و زیباشناختی جملات انشـایی کـه از جملـه آنهـا تحسـر و نـاراحتی و یـا آرزومنـدی و تمناست مطرح گردیده است. اما استفاده شاعر از تشبیهات محسوس به محسوس که در لایه بلاغی بسامد بالائی را به خود اختصاص داده یادآور تـاثیر محـیط بسـته و محـدود زندان بر روح و روان شاعر است. افزون بر این تشبیه محسوس به محسوس یـا معقـول به محسوس همواره ابزار مناسبی برای نزدیک ساختن مفاهیم پیچیده و دشوار به اذهـان توده‌های مردم است که شاعر امید فراوان برای آزاد سازی فلسطین و بیت المقـدس بـه آنها بسته است. کاربست رمز و نماد هم که در اشعار مقادمه نمود بارزی دارد، حکایـت از این دارد که محیط تنگ و تاریک زندان هرگز نتوانسته پرنده بلند پرواز تخیـل شـاعر را از پرواز باز دارد. مقادمه از ظرفیت‌های بی‌منتهای رمز و نماد همچون دیگـر شـاعران بهره جسته و مفاهیم امید، آزادی، انتفاضه، وحدت و یکـدلی و عـزت و آزادگـی را در قالب سمبل‌ها و نمادهایی آشنا برای مردم عرب و مسلمان به تصویر کشیده است. نکتـه قابل توجه در مورد مقادمه این است که حبس و زندان هرگز نتوانست امیـد و ایمـان او

را به راهی که در پیش گرفته از میان بردارد. ایمـان محکـم و سسـتی ناپـذیر شـاعر بـه روشنی از لابلای کلمات امید آفرین و انگیزه بخش مقادمه دیده می‌شود.

منابع و مآخذ

- احمدی، بابک (۱۳۹۱ش)، **موسیقی شناسی، فرهنگ تحلیلی مفاهیم**، چ۲، تهران: نشر مرکز.
- امامی، نصرالله (۱۳۸۵ش)، **مبانی و روش‌های نقد ادبی**، چ۳، تهران: نشر جامی
- أنیس، ابراهیم (۱۹۵۲م)، **موسیقی الشعر**،ط۲، القاهرة: مکتبة الأنـجلو المصرية.
- بسیسو، عبدالرحمن (۱۹۹۹م)، قصیدة القناع فـی الشـعر العربـی المعاصـر، الطبعـة الاولـی، بیـروت الموسسة العربية للدراسات و النشر.
- پرین، لارنس، شعر و عناصر شعری، ترجمـه غلامرضـا سـلگی، چـاپ سـوم، تهـران: سـعید نـو، ۱۳۷٦ش.
- ادگار، اندرو؛ پیتر سج‌ویک (۱۳۸۷ه.ش): مفاهیم بنیادی نظریه‌ی فرهنگـی، ترجمـه مهـران مهـاجر، محمد نبوی، چاپ یکم، تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- بشر، کمال (۲۰۰۰م)، علم الأصوات، القاهرة: دار غريب لطباعة.
- پروین، نورالدین (۱۳۹۵)، بررسی مقایسه‌ای خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه از منظـر سـبک‌شناسـی لایه‌ای، استاد راهنما: دکتر جهانگیر امیری، مشاوران: دکتر یحیی معـروف و دکتـر علـی اکبـر محسـنی، کرمانشاه: دانشگاه رازی .
- التفتازانی، سعدالدین (بی‌تا)، مختصر المعانی، قم: دارالحکمة.
- شمیسا، محمود (۱۳۸٦ش)، کلیات سبک‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: فردوس.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰ش)، موسیقی شعر، تهران آگه.
- عبادیان، محمود (۱۳۷۲ش)، درآمدی بر سبک‌شناسی ادبیات، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
- عباس، حسن (۱۹۹۸م)، خصائص الحروف العربية و معانيها، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- علی، عبدالرضا (۱۹۹۷م)، موسیقی الشعر العربی قدیمه و حدیثه؛ دارسة و تطبیق فی شعر الشـطرین و الشعر الحر، الطبعة الاولی، عمن: دارالشروق.
- غنیم، کمال احمد (۱۹۹۸م)، عناصر الابداع الفنی فی شعر احمد مطر، ط۱، القاهرة: مکتبة مذبولی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰ش)، سبک‌شناسی، رویکردها، نظریه‌ها، روش‌ها، تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲ش) ، دستور مفصل امروز، تهران: سخن.

– فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹ش) ، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

– قدامة، بن جعفر (۱۹٤۹م)، نقد الشعر، تحقیق کمال مصطفی، مطبعة أنصار، بیروت.

– گیرو، پی‌یر(۱۳۸۰ش)، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگه.

– ملاح، حسینعلی (۱۳٦۷ه.ش): پیوند موسیقی و شعر، تهران: فضا.

– المقادمة، ابراهیم (۲۰۰۳م)، لا تسرقوا الشمس، فلسطین: مجلس طلاب الجامعة الاسلامیة.

– یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳ش)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، چاپ اول، تهران: هرمس.

– ابن الرسول، سیدمحمدرضا؛ مرضیه قربان‌خانی و احسان گل‌احمر(۱۳۹۱ه.ش): معانی غیر مستقیم جملات پرسشی از دیدگاه کاربردشناسی زبان و بلاغت عربی، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی،د۳،ش۳(پیاپی ۱۱)، سال:۱۳۹۱،صص ۱–۲۵.

– حری، ابوالفضل (۱۳۹۰ش)، «معرفی کتاب سبک‌شناسی ادبیات داستانی پائول سیمپسون، ۲۰۰٤م»، کتاب ماه ادبیات، ش۵۹ پیاپی ۱۷۳.

– روان‌شاد، علی اصغر و همکاران (۱۳۹٤ش)، بازتاب مقاومت در شعر ابراهیم مقادمه، نشریه ادبیات پایداری، سال۷، ش۱۳، صص٦۷–۹۲.

– عسکری، محمدصالح و زارع برمی، مرتضی (۲۰۱٤م)، «شعر السجون فی الادب العراقی المعاصر»، دراسات فی العلوم الانسانیة. سنة ۲۰، العدد٤، صص۹۹–۱۲۰.

– عمرانپور، محمدرضا (۱۳۸۷ش)، «اهمیت عناصر و ویژگی‌های ساختاری واژه در گزینش واژگان شعر»، نشریه علمی پژوهشی گوهر گویا، صص ۱۵۳–۱۸۰.

– کوشکی، علی و داراب‌پور، عیسی (۱۳۹۰ش)، وصف زندان و احوال درونی در زندان‌سروده‌های فارسی و عربی»، پژوهش‌نامه ادب غنایی، سال۹، ش۱٦، صص۷۳–۹۸).

– عشری زاید، علی (۲۰۰۸). عن بناء القصیدة العربیة الحدیثة، القاهرة، مکتبة الآداب، الطبعة الخامسة.

– شبکة فلسطین للحوار، نبذة عن حیاة المفکر الاسلامی الدکتور ابراهیم المقادمة فی ذکری استشهاده، (www.paldf.net)

–

- Robinson, D. (2006). Introducing Performative Pragmatics. London & New York:Routledge.

دراسة لسجنيات ابراهيم مقادمة في ضوء بحث مستوياتها اللغوية

جهانگير اميرى[1]
شيوا صادقى[2]
نورالدين پروين[3]

الملخص

يمكننا اعتبار السجنيات او أدب السجن محاولة للشاعر السجين للتنفيس عن كروبه و آلامه و أحزانه .الا ان هذا اللون من الشعر ليس عند الشاعر الفلسطيني المناضل إبراهيم مقادمة أداة للتعبير عن الهموم و الآلام فحسب ،بل انه وسيلة لاستنهاض الهمم و تأجيج لهيب الحماس و الثورة للانسان الفلسطيني المضطهد و نفخ روح التفاؤل بمستقبله الأفضل في نفسه ايضا. يرمي هذا البحث واعتمادا على المنهج الوصفي و التحليلي الى دراسة سجنيات ابراهيم مقادمة و في ضوء استخدام تقنية بحث مستوياتها اللغوية، وصولا إلى الإجابة عن هذا السؤال:كيف وظف شاعرنا الملتزم بالأدب المقاوم المستويات اللغوية لنشر معاني الصمود و المقاومة ؟ لقد أفادت دراستنا هذه ان لبحث المستويات اللغوية دوره و تاثيره في إعطاء المخاطب القدرة على استيعاب أكثر و أعمق لبطون المعاني و خباياها. وفي السياق ذاته ان لاستخدام ابراهيم مقادمة للأوزان الخفيفة كالرمل على سبيل المثال و لا الحصر اثرا كبيرا لغرس مشاعر الهدوء و الطمأنينة في قلب المخاطب. زد على ذلك ان توظيف الشاعر للمفردات في كلا النطاقين المحسوسة و غير المحسوسة على المستوى اللفظي، و استعماله للجمل الخبرية و الانشائية سويا من شانهما ان يجسدا رغبة الشاعر لتصوير الواقع و التعبير عن أحاسيسه كشاعر مناضل ثوري. كما ان الصور المحسوسة التي رسمها الشاعر على المستوى البلاغي تصور أفضل من سائر التقنيات ،معاناة الاسرى الفلسطينيين على ارض الواقع. و على المستوى الايديولوجي تجسد سجنيات الشاعر آماله لبلوغ المقاومة و الصمود مآربها و ثمارها و تحقيق انتصار الحق على الباطل في نهاية المشوار.

الكلمات الرئيسية: الأسلوبية، الأدب العربى، ابراهيم مقادمة، شعر المقاومة.

١- استاذ مشارک للغة العربية بجامعة رازى، كرمانشاه
٢- عضو هيئة التدريس للغة العربية و آدابها بجامعة پيام نور، ايران
٣- أستاذ مساعد فى "مجمع التعليم العالى" الشهيد محلاتى